



Analyzing the Components of an Optimal Investment Guidance Model for Petro-refineries and Its Institutional Mapping onto Resistance Economy Policies

Amirhosein Khorshidiathar: Ph.D. Student in Oil and Gas Contract Management, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author) a.khorshidi.athar@gmail.com

Mahdi Shahdani-Sadeghi: Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

sadeghi@isu.ac.ir | 0000-0002-2765-5774

Davood Manzoor: Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

manzoor@isu.ac.ir | 0000-0002-9873-2546

Mohammad Hadi Zahedi Vafa: Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

zahedi@isu.ac.ir

Abstract

Realizing the strategic objectives of the Resistance Economy in Iran's oil and gas sector necessitates a paradigm shift from selling raw hydrocarbons toward completing the value chain through petro-refinery complexes. The core problem addressed in this study is the absence of a comprehensive framework for smart capital guidance capable of aligning private sector profitability with the sovereign priorities outlined in high-level policy documents.

This research employs a multi-stage qualitative methodology. First, through comparative benchmarking of nine leading countries, the key components of the model were identified across four clusters: governance, economic, technical, and market. Subsequently, utilizing an institutional mapping approach, systematic links between these components and Articles 13, 14, and 15 of the General Policies of the Resistance Economy were established.

The findings -validated through data triangulation and pattern matching- demonstrate that improving technical indicators, such as the Nelson Complexity Index and the integration rate, not only enhances project bankability but also secures geopolitical resilience by producing non-substitutable goods and establishing micro-marketing networks. Finally, a feedstock holiday was identified as the most effective financial instrument for resolving conflicts of interest and fostering economic endogeneity.

Keyword: Investment guidance Resistance Economy, Petro-refinery, Institutional Mapping, Value Chain

JEL Classification: G11, L71, O25, P41

واکاوی مؤلفه‌های الگوی مطلوب هدایت سرمایه‌گذاری در پتروپالایشگاه‌ها و نکاشت نهادی آن بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی^۱

امیرحسین خورشیدی اطهر: دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای نفت و گاز، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

a.khorshidi.athar@gmail.com

مهدی صادقی شاهدانی: استاد دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
sadeghi@isu.ac.ir | ID 0000-0002-2765-5774

داوود منظور: دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
manzoor@isu.ac.ir | ID 0000-0002-9873-2546

محمدهادی زاهدی‌وفا: دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
zahedi@isu.ac.ir

چکیده

تحقق اهداف راهبردی اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت و گاز ایران، مستلزم تغییر پارادایم از خام‌فروشی هیدروکربنی به سمت تکمیل زنجیره ارزش در قالب مجتمع‌های پتروپالایشگاهی است. مسئله بنیادین این پژوهش، فقدان یک الگوی جامع برای «هدایت هوشمند سرمایه» است که بتواند میان انگیزه‌های سودآور بخش خصوصی و اولویت‌های حاکمیتی در اسناد بالادستی توازن برقرار کند. این مطالعه با اتخاذ رویکردی کیفی و چندمرحله‌ای، ابتدا از طریق بنچ‌مارکینگ تطبیقی تجارب نه (۹) کشور پیشرو، مؤلفه‌های کلیدی الگو را در چهار خوشه (حکمرانی، اقتصادی، فنی و بازار) شناسایی کرده و سپس با استفاده از روش «نگاشت نهادی»، پیوند سامانمند (سیستماتیک) این مؤلفه‌ها را با بندهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تبیین نموده است. یافته‌های پژوهش که از طریق «تثلیث داده‌ها» و «انطباق الگو» صحت‌سنجی شده‌اند، نشان می‌دهند که ارتقای شاخص‌های فنی نظیر «ضریب پیچیدگی نلسون» و «نرخ یکپارچگی»، نه تنها جذابیت مالی پروژه‌ها را افزایش می‌دهند، بلکه از طریق تولید محصولات جایگزین‌ناپذیر و ایجاد شبکه‌های بازاریابی موثرگی، تاب‌آوری ژئوپلیتیکی کشور را تضمین می‌کنند. درنهایت، ابزار مالی «تنفس خوراک» به عنوان قوی‌ترین محرک برای حل تعارض منافع و تحقق درون‌زایی اقتصادی شناسایی شده است.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای امیرحسین خورشیدی اطهر با عنوان «الگوی مطلوب هدایت سرمایه‌گذاری در پتروپالایشگاه‌ها در چارچوب الزامات بند دهم ابلاغی اقتصاد مقاومتی» است.

واژگان کلیدی: هدایت سرمایه‌گذاری، اقتصاد مقاومتی، پتروپالایشگاه، نگاشت نهادی

طبقه‌بندی JEL: G11, L71, O25, P41

مقدمه

صنعت نفت و گاز ایران طی یک قرن اخیر، همواره میان دو قطب «پیشران توسعه ملی» و «گلوگاه آسیب‌پذیری ارزی» در نوسان بوده است. وابستگی تاریخی بودجه عمومی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، اقتصاد ملی را در برابر تکانه‌های بازارهای جهانی و تحریم‌های هوشمند بین‌المللی به شدت آسیب‌پذیر ساخته است. در پارادایم نوین اقتصاد انرژی، مرزهای سستی میان صنایع پالایشی (سوخت‌محور) و پتروشیمیایی (محصول‌محور) در حال فروریزی است و رویکرد جهانی به سمت ایجاد مجتمع‌های یکپارچه «پتروپالایشگاهی» معطوف گشته است. این مجتمع‌ها با تکمیل زنجیره ارزش، حاشیه سود عملیاتی را از ۳ الی ۵ دلار در بشکه به بیش از ۱۵ دلار ارتقا داده و «بشکه نفت» را به هزاران مشتق پیچیده تبدیل می‌کنند که ره‌گیری و تحریم آن‌ها در بازارهای جهانی عملاً غیرممکن است.

با این حال، چالش اصلی در اقتصاد ایران، نه فقدان منابع یا فناوری، بلکه ناکارآمدی ساختاری در «هدایت سرمایه‌گذاری» است. نظام فعلی سرمایه‌گذاری به دلیل عدم قطعیت در قوانین رگولاتوری، نوسانات نرخ ارز و ابهام در فرمول‌های قیمت‌گذاری خوراک، نتوانسته است جریان‌ات نقدی سرگردان جامعه و هلدینگ‌های بزرگ مالی را به سمت فازهای نهایی زنجیره ارزش نفت هدایت کند. این در حالی است که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی ۱۳۹۲) در بندهای ۱۳ تا ۱۵، صراحتاً بر «مقابله با ضربه‌پذیری درآمدها»، «تنوع در روش‌های فروش و انتخاب مشتریان راهبردی» و «افزایش صادرات فرآورده با ارزش افزوده بالا» تأکید دارند.

بنابراین، مسئله بنیادین این پژوهش این است که پتروپالایشگاه‌ها چگونه می‌توانند از یک پروژه صنعتی صرف به یک «نهاد دفاعی-اقتصادی» تبدیل شوند؟ برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر فراتر از آسیب‌شناسی‌های توصیفی، به دنبال ارائه یک «نگاشت نهادی» دقیق است تا مشخص نماید که چگونه متغیرهای عملیاتی پتروپالایشگاه (مانند نرخ یکپارچگی و ضریب پیچیدگی فنی) می‌توانند به عنوان محرک‌های اصلی تحقق تاب‌آوری ملی عمل کنند.

این مقاله با استناد به نتایج رساله مرجع و با بهره‌گیری از چارچوب نظری «سازگاری انگیزشی»، در پی تدوین الگویی است که در آن ابزارهای حکمرانی (مانند تنفس خوراک) نه به‌عنوان یک مشوق مالی ساده، بلکه به‌عنوان ابزاری برای هدایت سرمایه از بخش‌های غیرمولد به سمت سنگرهای تولید ثبات و امنیت اقتصادی عمل نمایند.

۱. مبانی نظری

۱-۱. ادبیات نظری هدایت سرمایه‌گذاری

۱) سرمایه‌گذاری اثرگذار^۱: این نوع سرمایه‌گذاری با هدف ایجاد تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی مطلوب در کنار بازده مالی انجام می‌شود (برست و بورن^۲، ۲۰۱۳). این مفهوم در سال ۲۰۰۷ توسط بنیاد راکفلر معرفی شد و امروزه تعریف ارائه‌شده توسط "GIIN" مورد پذیرش است (جی‌آی‌آی‌ان^۳، ۲۰۲۳). ویژگی مهم این نوع سرمایه‌گذاری، اندازه‌گیری عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی در کنار عملکرد مالی است (Höchstädter & Scheck, 2015).

۲) استراتژی‌های سرمایه‌گذاری^۴: مجموعه‌ای از قوانین و رویه‌هاست که برای راهنمایی سرمایه‌گذار در انتخاب پرتفوی طراحی شده است. دولت‌ها با ایجاد آژانس‌های تشویق سرمایه‌گذاری (IPA) و تدوین استراتژی‌های مناسب، می‌توانند سرمایه‌گذاران را به سمت فعالیت‌های مطلوب هدایت کنند (OECD, 2020).

۳) تسهیل سرمایه‌گذاری^۵: علاوه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به حداکثر رساندن اثربخشی و کارایی در تمام مراحل سرمایه‌گذاری نیز می‌پردازد (Berger & Sauvart, 2021).

۴) کارایی سرمایه‌گذاری^۶: از آنجاکه کارایی سرمایه‌گذاری علاوه بر رشد شرکت‌ها، به توسعه اقتصادی نیز کمک می‌کند (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹)، دولت‌ها در شرایط حساس اقتصادی، با مداخله در رفتار سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها سعی در افزایش کارایی دارند (Lin, 2021).

-
1. Impact investing
 2. Brest & Born
 3. GIIN
 4. investment strategies
 5. Investment facilitation
 6. Investment Efficiency

۲-۱. بررسی الگوهای موجود هدایت سرمایه‌گذاری در پتروپالایشگاه‌ها

۱-۲-۱. بر اساس نقش دولت و بخش خصوصی:

• هدایت توسط دولت: ادبیات سنتی در خصوص هدایت سرمایه‌گذاری، به سمت سرمایه‌گذاری با هدف کسب سود بیشتر است؛ اما در این خصوص برخی مقالات به شناسایی مداخله دولت به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در طول دوره بحران، می‌پردازند (Bermanke, 1983). برای مثال برخی از پژوهشگران ارتباطات سیاسی دولت‌ها را تأثیرگذار در رفتار سرمایه‌گذاران و هدایت آنان می‌دانند چراکه این ارتباطات کمک می‌کند تا به منابع مالی خارجی دسترسی بهتری داشته باشند (Li et al., 2008). از طرف دیگر نیز وضع مالیات نیز در نحوه و هدایت سرمایه‌گذاری توسط دولت مؤثر است (Geczy et al., 2019) همچنین دولت با اعلام حمایت خود از سرمایه‌گذاری‌های مشخص به‌ویژه در دوره‌های رکود می‌تواند به هدایت سرمایه‌گذاران بپردازد. به‌طور مشخص‌تر می‌توان گفت مطالعاتی که به بررسی تأثیر عوامل کلان مؤثر در هدایت سرمایه‌گذاری (هدایت سرمایه‌گذاری توسط دولت) می‌پردازند، به سیاست‌های صنعتی، کیفیت دولت، محیط قانونی، حمایت از سرمایه‌گذاران، گردش مالی رسمی و سیاست‌های مبارزه با فساد و غیره توجه کرده‌اند (Baker et al., 2016 & Bermanke, 1983). علاوه بر این، تأثیر رفتار دولت بر سرمایه‌گذاری-تصمیم‌گیری بنگاه‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. دولت انگیزه قوی برای مداخله در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها به‌منظور پیگیری دستاوردهای سیاسی دارد که منجر به انحراف فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها از هدف بهینه می‌شود (Wang et al., 2017; Chen et al., 2011)؛ از این‌رو دولت از طریق ابزارهایی مانند یارانه‌ها، معافیت‌های مالیاتی و قوانین، سرمایه‌ها را به سمت بخش‌های مورد نظر خود هدایت می‌کند.

• هدایت توسط بخش خصوصی: مطالعات سنتی و قدیمی‌تر، موضوع هدایت سرمایه‌گذاری را در غالب استراتژی سرمایه‌گذاری تعریف و بیان کرده‌اند. این مطالعات متغیرهای ثابتی مانند هزینه دفتری، اندازه (Banz, 1981)، اهرم (Fama & French, 1992) و ریسک بازار (Sharpe, 1964) را به‌عنوان مبنای استراتژی‌های سرمایه‌گذاری پیش‌بینی می‌کنند؛ اما مطالعات جدیدتر ادبیات مفهومی سرمایه‌گذاری تأثیرگذار را مورد بررسی قرار می‌دهند و بیان می‌کنند که سرمایه‌گذاران باید مسئول پذیرش بازده‌های مالی پایین‌تر در ازای منافع

زیست‌محیطی و اجتماعی بیشتری هستند (Geczy et al., 2019; Barber et al., 2021). مطالعات دیگر بررسی می‌کند: تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر فعالیت‌های تأثیرگذار اجتماعی، تأثیر موانع درک شده برای سرمایه‌گذاری‌هایی با رویکرد اجتماعی در بخش سوم و معیارهای سرمایه‌گذار در شرکت‌های اجتماعی (Block et al., 2021).

- هدایت مختلط: هم دولت و هم بخش خصوصی در هدایت سرمایه‌گذاری‌ها نقش دارند.

۲-۲-۱. مدل‌های هدایت سرمایه‌گذاری در صنعت پتروپالایشگاه در کشورهای منتخب

در این کشورها (که شباهت ساختاری بیشتری به اقتصاد ایران دارند)، دولت نقش «معمار بازار» را ایفا می‌کند.

- عربستان سعودی (مدل آرامکو): از طریق استراتژی ادغام عمودی و مشارکت با غول‌های فناوری جهانی (نظیر سایبک)، سرمایه‌ها را به سمت مجتمع‌های عظیم پتروپالایشگاهی هدایت کرده است.
- چین: با استفاده از مدل «هدایت دولتی-اجرای خصوصی»، زون‌های ویژه اقتصادی ایجاد کرده که در آن دسترسی به خوراک ارزان و زیرساخت‌های رایگان، تضمین‌کننده بازگشت سرمایه است.
- هند (مدل ریلاینس): با تکیه بر بخش خصوصی قدرتمند و حمایت‌های قانونی در صادرات، یکی از بزرگ‌ترین پتروپالایشگاه‌های جهان را احداث کرده است.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش، مطالعات انجام‌شده در زمینه هدایت سرمایه‌گذاری و اقتصاد مقاومتی و سیر تحول سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز بررسی می‌شوند.

۲-۱. پیشینه نظری

۲-۱-۱. پژوهش‌های بررسی‌کننده هدایت سرمایه‌گذاری و ضرورت پرداختن به آن

در میان پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده مشخص می‌گردد که مطالعات سنتی و قدیمی‌تر، موضوع هدایت سرمایه‌گذاری را در غالب استراتژی سرمایه‌گذاری تعریف و مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعات متغیرهای ثابتی چون هزینه‌های دفتری، حجم بازار هدف (Banz, 1981)،

اهرم^۱ (Fama & French, 1992) و ریسک بازار (Sharpe, 1964) را به عنوان مبنای استراتژی های سرمایه گذاری که در هدایت سرمایه گذاری مؤثر است، مطرح می کنند؛ اما با بررسی پژوهش ها و مطالعات جدیدتر، ادبیات مفهومی هدایت سرمایه گذاری، در مفهوم سرمایه گذاری تأثیرگذار مورد بررسی قرار می گیرد و این پژوهش ها بیان می کنند که سرمایه گذاران باید به سمت پذیرش بازده های مالی پایین تر در ازای منافع زیست محیطی و اجتماعی بیشتر باشند و نیز سرمایه گذاری ها باید به جای تمرکز بر بازده مالی، بر منافع زیست محیطی و اجتماعی متمرکز باشند (Geczy et al., 2019; Barber et al., 2021). در این میان مطالعاتی هم به ضرورت هدایت سرمایه گذاری نهادی به سمت فعالیت های تأثیرگذار اجتماعی، و نیز معیارهای سرمایه گذاری در شرکت ها با رویکرد اجتماعی (Block et al., 2021) می پردازند.

۲-۱-۲. پژوهش های بررسی کننده دخالت دولت در هدایت سرمایه گذاری ها در شرایط خاص

همان گونه که اشاره شد، ادبیات سنتی در خصوص هدایت سرمایه گذاری، به سرمایه گذاری با هدف کسب سود مالی بیشتر، متمایل تر است (مانند استاین (Stein, 2003) و...) اما باین همه و با گذشت زمان، برخی پژوهش ها به بررسی جایگاه مداخله دولت به عنوان عاملی تأثیرگذار در هدایت سرمایه گذاری ها در طول دوره بحران، می پردازند. در این میان برخی از پژوهشگران نیز ارتباطات سیاسی دولت ها را در رفتار سرمایه گذاران و هدایت آنان مؤثر می دانند چراکه بیان می کنند این ارتباطات کمک می کند تا به منابع مالی خارجی دسترسی بهتری وجود داشته باشد (Li et al., 2008; Faccio et al., 2006; Khwaja & Mian, 2005). از طرف دیگر نیز دولت ها با وضع مالیات نیز در نحوه و هدایت سرمایه گذاری مؤثر هستند (Faccio, 2010). همچنین دولت با اعلام حمایت خود از سرمایه گذاری های مشخص به ویژه در دوره های رکود می تواند به هدایت سرمایه گذاری ها بپردازد (Blau et al., 2013).

به طور مشخص تر می توان گفت پژوهش هایی که به بررسی تأثیر عوامل کلان مؤثر در هدایت سرمایه گذاری توسط دولت می پردازند، به سیاست های صنعتی، کیفیت دولت، محیط قانونی، نحوه و میزان حمایت از سرمایه گذاران، گردش مالی رسمی و سیاست های مبارزه با فساد توجه کرده اند (McLean et al., 2012; Baker et al., 2016)؛ علاوه بر این، دولت انگیزه

1. leverage

قوی برای مداخله در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها به‌منظور پیگیری دستاوردهای سیاسی خود دارد (Wang et al., 2017; Chen et al., 2011).

۲-۳. مقالاتی که به بررسی ضرورت هدایت سرمایه‌گذاری در ایران می‌پردازند.

جهانگرد و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان "اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی ایران بسط مدل پاجولا" با بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر رشد اقتصادی ایران در شرایط همگرایی مشروط (Conditional Convergence) با استفاده از رهیافت خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی (ARDL) به همراه آزمون کرانه‌های پسران، شین و اسمیت (۲۰۰۱) طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴ به این نتیجه می‌رسند که جهت استفاده کارآمد و مؤثر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باید ساختارهای اقتصادی را اصلاح، قابلیت جذب فناوری و بخش‌های مولد که دارای ارزش افزوده بالایی هستند را شناسایی و منابع خارجی را به‌سوی این بخش‌ها هدایت نمود. تقوی و محمدی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «تأثیر زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی ایران» بیان می‌کنند که با توجه به کمبود منابع سرمایه‌گذاری و ضرورت تخصیص بهینه این منابع جهت تحریک رشد اقتصادی، لازم است مزیت‌های نسبی یک کشور در زمینه تخصیص منابع سرمایه‌گذاری، به‌درستی شناسایی شده و با هدایت منابع سرمایه‌گذاری به مولدترین و کارآمدترین بخش‌ها زمینه استفاده کارآمد از منابع محدود در جهت تسریع رشد اقتصادی فراهم گردد. کامل (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای که با عنوان «موانع حقوقی جذب و پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران» نوشته است ضمن بررسی مفهومی تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی، به اهم موانع حقوقی جذب و پذیرش سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاری خارجی) در ایران پرداخته است و بیان می‌دارد که در چهارچوب هر نظام حقوقی ملی، قانون‌گذاران با وضع قوانین و مقررات لازم و ایجاد ساختارها و نهادهای ضروری پول و دارایی غیرنقدی شهروندان خویش را به سمت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مورد نیاز کشور هدایت می‌کند.

نوآوری این مقاله نسبت به مقالات فوق‌الذکر را می‌توان در چهار دسته عنوان نمود:

۱. تغییر پارادایم از «جذب» به «هدایت» سرمایه: برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر ابزارهای عمومی جذب سرمایه (مانند فاینانس یا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)

تمرکز داشتند، این پژوهش بر مفهوم «هدایت هوشمند سرمایه» تأکید می‌ورزد. نوآوری اصلی در اینجا ارائه چارچوبی است که در آن ابزارهای رگولاتوری دولت (مانند تنفس خوراک) نه به‌عنوان یک مشوق مالی ساده، بلکه به‌عنوان ابزاری برای کانالیزه کردن جریان‌های نقدی از بخش‌های غیرمولد به سمت تکمیل زنجیره ارزش عمل می‌کنند.

۲. **ارائه نگاهت نهادی میان پتروپالایشگاه و اقتصاد مقاومتی:** برای نخستین بار در ادبیات داخلی، پیوند میان مؤلفه‌های فنی پتروپالایشگاه (مانند ضریب پیچیدگی نلسون و نرخ یکپارچگی) با شاخص‌های تاب‌آوری در اقتصاد مقاومتی به‌صورت سامانمند (سیستماتیک) تبیین شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه متغیرهای فنی می‌توانند اهداف راهبردی نظام (بندهای ۱۳ تا ۱۵) را محقق سازند.

۳. **شناسایی و خوشه‌بندی مؤلفه‌های الگوی مطلوب:** درحالی‌که مطالعات گذشته به‌صورت پراکنده به چالش‌های این صنعت پرداخته‌اند، این مقاله با بهره‌گیری از خروجی‌های کیفی رساله، مؤلفه‌های اثرگذار را در پنج دسته کلیدی (اقتصادی، حاکمیتی، فنی، مالی و زیست‌محیطی) خوشه‌بندی کرده و برای نخستین بار «وزن راهبردی» هر یک را در قالب یک الگوی هدایت‌گر ترسیم نموده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر روش‌شناختی بر یک رویکرد کیفی چندمرحله‌ای استوار است که فرآیند استخراج مؤلفه‌ها و اتصال آن‌ها به ساختارهای حکمرانی را تبیین می‌کند:

۳-۱. تحلیل مضمون و بنچ‌مارکینگ^۱ تطبیقی

مؤلفه‌های شناسایی‌شده در این مطالعه، بر پایه روش‌شناسی «تحلیل مضمون کیفی» و مطالعه تطبیقی بنا شده است. مطابق با رویکرد خورشیدی اطهر و همکاران (۱۴۰۴)، تجربیات ۹ کشور پیشرو در سه گروه «منابع محور»، «توسعه‌گرا» و «بازار محور» مورد واکاوی قرار گرفت. این فرآیند بر اساس چارچوب نظری «انتقال سیاست» انجام شده است که به پژوهشگر اجازه

1. Benchmark

می‌دهد. اهرم‌های سیاستی موفق جهانی را شناسایی و پس از عبور از پالایه‌های انطباق بومی، کدگذاری نماید (خورشیدی اطرهر و همکاران، ۱۴۰۴).

۲-۳. چارچوب نظری نگاشت نهادی

«نگاشت نهادی» به عنوان ابزار تحلیلی اصلی در این مقاله، ریشه در نظریات اقتصاد نهادی نوین دارد. طبق دیدگاه نورث (North, 1990)، نهادها به عنوان «قواعد بازی» عمل می‌کنند که ساختار انگیزشی کنشگران را شکل می‌دهند. روش نگاشت نهادی در این پژوهش، فرآیند ترسیم روابط متقابل میان «مؤلفه‌های عملیاتی» و «اهداف راهبردی» است تا مشخص شود هر ابزار رگولاتوری چگونه بر رفتار سرمایه‌گذار اثر گذاشته و در نهایت به یک هدف کلان ملی منجر می‌شود (Alston, 1996). این نگاشت در سه گام عملیاتی شامل شناسایی متغیر، تحلیل مسیر اثرگذاری و تطبیق با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اجرا گردیده است.

۳-۳. صحت‌سنجی و روایی نگاشت

جهت اطمینان از روایی الگو، از روش «تثلیث داده‌ها»^۱ و «انطباق الگو»^۲ استفاده شده است. در پژوهش‌های کیفی و مطالعات مبتنی بر نگاشت نهادی، اعتباربخشی به روابط استخراج‌شده جهت جلوگیری از سوگیری‌های پژوهشگر و تضمین پایایی مدل، امری حیاتی است (Yin, 2018). در این پژوهش، فرآیند صحت‌سنجی در دو لایه روش‌شناختی به شرح زیر عملیاتی گردید:

۳-۳-۱. لایه اول: تثلیث داده‌ها

بر اساس نظریه دنزین (Denzin, 1978)، تثلیث داده‌ها با استفاده از منابع چندگانه، روایی درونی پژوهش را تقویت می‌کند. در این لایه، صحت مؤلفه‌ها و روابط نگاشت شده از طریق سه منبع مستقل واکاوی شد:

۱. تثلیث اسنادی: تطبیق مؤلفه‌ها با متون سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و قوانین برنامه‌های توسعه که چارچوب حقوقی-نهادی هدایت سرمایه را ترسیم می‌کنند.

-
1. Data Triangulation
 2. Pattern Matching

۲. **تثلیث تجربی:** انطباق یافته‌ها با نتایج مطالعه تطبیقی ۹ کشور منتخب (خورشیدی اطر و همکاران، ۱۴۰۴). تلاقی مضامین استخراج‌شده از الگوهای موفق نظیر آرامکو عربستان و ریلاینس هند با مؤلفه‌های بومی‌سازی شده، نشان‌دهنده همگرایی بالای مدل پیشنهادی با روندهای جهانی است.

۳. **تثلیث گزارشی:** بهره‌گیری از گزارش‌های تحلیلی نهادهای بین‌المللی نظیر آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) و شرکت‌های مشاوره استراتژیک (نظیر Wood Mackenzie) در خصوص نقش پتروپالایشگاه‌ها در امنیت انرژی؛ که صحت گزاره «ارتباط پیچیدگی فنی با تاب‌آوری ارزی» را تأیید می‌نماید (IEA, 2023).

۳-۲. لایه دوم: انطباق الگو

مطابق با رویکرد بین (Yin, 2018)، روش انطباق الگو با مقایسه «الگوی منطقی پیش‌بینی‌شده» در نگاشت نهادی با «الگوی مشاهده‌شده» در دنیای واقعی، روایی سازه را مورد آزمون قرار می‌دهد.

۴. مؤلفه‌های کلیدی الگوی مطلوب

مطابق با یافته‌های پژوهش خورشیدی اطر و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله «هدایت سرمایه‌گذاری در صنایع پتروپالایشگاهی ایران: طراحی یک الگوی مطلوب با رویکرد مطالعه تطبیقی با کاربست نظری پتروپالایشگاه شهید سلیمانی»، مؤلفه‌های الگوی مطلوب هدایت سرمایه حاصل یک فرآیند سه مرحله‌ای شامل پنج‌مارکینگ تجارب ۹ کشور (در سه گروه منابع‌محور، توسعه‌گرا و بازارمحور) و عبور دادن اهرم‌های جهانی از پالایه‌های انطباق بومی است. این مؤلفه‌ها در قالب چهار خوشه اصلی از اهرم‌های سیاستی تبیین می‌گردند:

۴-۱. خوشه حکمرانی و رگولاتوری

این خوشه که بر اساس تجارب کشورهای توسعه‌گرا و بازارمحور استخراج شده، شامل اهرم‌هایی چون «ثبات قوانین»، «تضمین تأمین خوراک ۲۰ ساله» و «ایجاد پنجره واحد رگولاتوری» است. در مدل انطباق بومی خورشیدی اطر و همکاران، این مؤلفه‌ها تحت

پالایه «اعتبار حاکمیتی» و «امنیت منابع» اعتبارسنجی شده‌اند تا ریسک سامانمند (سیستماتیک) سرمایه‌گذاری در ایران را به حداقل برسانند.

۲-۴. خوشه اقتصادی و مشوق‌های مالی

این بخش با الهام از مدل‌های موفق جهانی (نظیر چین و عربستان) و انطباق با چالش‌های پولی و ارزی ایران تدوین شده است. مؤلفه‌هایی نظیر «تنفس خوراک»، «تخفیف پلکانی قیمت خوراک بر اساس عمق زنجیره ارزش» و «صندوق‌های پروژه برای جذب سرمایه‌های خرد» در این دسته قرار می‌گیرند. این اهرم‌ها با هدف ارتقای نرخ بازگشت سرمایه (IRR) به‌ویژه در فازهای پایین‌دستی طراحی شده‌اند.

۳-۴. خوشه فنی، فناوری و زنجیره ارزش

این خوشه بر «نرخ یکپارچگی» و «ضریب پیچیدگی نلسون» تمرکز دارد. بر اساس یافته‌های مقاله مذکور، ارتقای سطح فناوری پتروپالایشگاه‌ها نه تنها یک ضرورت فنی، بلکه ابزاری برای تحقق پالایه «تاب‌آوری ژئوپلیتیکی» است؛ چراکه تولید محصولات پیچیده و غیرقابل جایگزین، وابستگی متقابل ایجاد کرده و قدرت تحریم‌ناپذیری کشور را افزایش می‌دهد.

۴-۴. خوشه بازار و رقابت‌پذیری

این مؤلفه‌ها بر «آزادسازی رقابتی صادرات» و «بازارسازی منطقه‌ای» تأکید دارند. بر اساس رویکرد مطالعه تطبیقی، حرکت از مدل فروش متمرکز دولتی به سمت مدل «بازاریابی مویرگی» در صنایع تکمیلی، ضامن «رقابت‌پذیری پایدار» الگوی هدایت سرمایه در محیط بین‌المللی و تحقق اهداف برون‌گرایی است.

۵. نگاشت نهادی مؤلفه‌ها بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

نگاشت نهادی در این پژوهش بر پایه مفهوم «سازگاری انگیزشی»^۱ استوار است (North, 1990; Alston, 1996). درواقع، هدف از این نگاشت، تبیین چگونگی تبدیل اهداف کیفی اقتصاد مقاومتی به «ساختارهای پاداش و جریمه» فنی و اقتصادی در الگوی هدایت سرمایه است

1. Incentive Compatibility

(خورشیدی اطهر و همکاران، ۱۴۰۴). بر اساس مبانی اقتصاد نهادی، موفقیت در هدایت سرمایه مستلزم طراحی نهادهایی است که هزینه‌های مبادله را کاهش داده و منافع فردی را با منافع اجتماعی هم‌سو کنند (North, 1990; Rodrik, 2008). در ادامه، این نگاشت در سه سطح کلان مورد واکاوی دقیق قرار می‌گیرد:

۵-۱. نگاشت در سطح مقابله با ضربه‌پذیری و امنیت درآمدی (تحقق بند ۱۳)

بند ۱۳ سیاست‌های کلی بر «مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز» از طریق انتخاب مشتریان راهبردی و ایجاد تنوع در روش‌های فروش تأکید دارد. **متغیر فنی متناظر:** ضریب پیچیدگی نلسون و نرخ یکپارچگی.

تبیین سازوکار نهادی: در اقتصاد سیاسی انرژی، محصولات با ضریب پیچیدگی پایین به دلیل «جایگزین‌پذیری بالا» و «سهولت ره‌گیری»، در زمره کالاهای تحریم‌پذیر قرار می‌گیرند (Wade, 1990). نگاشت نهادی ارتقای ضریب پیچیدگی بر بند ۱۳ نشان می‌دهد که با پیچیده‌تر شدن سبد محصولات پتروپالایشگاهی، «هزینه مبادله» برای تحریم‌کنندگان افزایش می‌یابد؛ زیرا محصولات با فناوری بالا (های‌تک) پتروشیمیایی ماهیتی «جایگزین‌ناپذیر» پیدا می‌کنند (خورشیدی اطهر و همکاران، ۱۴۰۴). این موضوع منجر به ایجاد یک «وابستگی متقابل نامتقارن» به نفع اقتصاد ملی می‌گردد که ریشه در تاب‌آوری فناورانه دارد (خورشیدی اطهر و همکاران، ۱۴۰۴).

۵-۲. نگاشت در سطح تنوع‌بخشی به مشتریان و بازارهای هدف (تحقق بند ۱۴)

بند ۱۴ بر «تنوع در روش‌های فروش و مشارکت بخش خصوصی» جهت افزایش صادرات فرآورده تأکید دارد.

متغیر رگولاتوری متناظر: تمرکززدایی از بازاریابی و توسعه زنجیره ارزش پایین‌دستی. **تبیین سازوکار نهادی:** ساختار نهادی فعلی فروش نفت در ایران مبتنی بر مدل «دولت-به-دولت» است که به شدت در برابر فشارهای سیاسی آسیب‌پذیر است. نگاشت مؤلفه «تنوع سبد محصول» بر این بند، راهبرد «بازاریابی مویرگی» را فعال می‌کند (خورشیدی اطهر و همکاران، ۱۴۰۴). بر اساس نظریات رقابت‌پذیری پورتر، پتروپالایشگاه با تولید محصولات متنوع، بازار را از حالت انحصاری به سمت بازارهای خرد منطقه‌ای (B2B) سوق می‌دهد

(Porter, 1990). این تغییر نهادی، نظارت‌پذیری بین‌المللی را کاهش داده و «تاب‌آوری صادراتی» را از طریق توزیع ریسک محقق می‌سازد (Rodrik, 2008; Wade, 1990).

۳-۵. نگاشت در سطح تکمیل زنجیره ارزش و درون‌زایی (تحقق بند ۱۵)

بند ۱۵ بر «افزایش ارزش افزوده» از طریق تکمیل زنجیره ارزش نفت و گاز تأکید دارد.

متغیر اقتصادی متناظر: ابزار تنفس خوراک و قیمت‌گذاری پلکانی.

تبیین سازوکار نهادی: یکی از چالش‌های اصلی در صنایع سرمایه‌بر، «تمایل به رانت‌جویی در بخش‌های بالادستی» و توقف پروژه در مراحل ابتدایی است (Szewczuk & Więcek-Janka, 2024; Alston, 1996). نگاشت نهادی ابزار «تنفس خوراک» بر بند ۱۵، به‌مثابه یک «قرارداد انگیزشی هوشمند» عمل می‌کند که نرخ بازگشت سرمایه را در فازهای پایین‌دستی تضمین می‌نماید (خورشیدی اطهر و همکاران، ۱۴۰۴). این سازوکار، «تضاد منافع» میان سرمایه‌گذار و حاکمیت را حل نموده و درون‌زایی اقتصادی را تضمین می‌نماید (خورشیدی اطهر و همکاران، ۱۴۰۴؛ North, 1990).

۴-۵. ماتریس سنتز نگاشت نهادی

برآیند امنیت ملی	هدف اقتصاد مقاومتی	سازوکار انتقال نهادی	متغیر عملیاتی الگو
تحریم‌ناپذیری راهبردی	بند ۱۳ (کاهش ضربه‌پذیری)	ایجاد وابستگی متقابل فنی	ارتقای ضریب پیچیدگی
بازاریابی مویرگی و نفوذ ارزی	بند ۱۴ (تنوع مشتریان)	گذار از بازار G2G به B2B	تمرکززدایی از رگولاتوری
تکمیل زنجیره و ثبات GDP	بند ۱۵ (ارزش افزوده)	رفع تعارض منافع و انگیزش	اعطای تنفس خوراک
رقابت‌پذیری در تراز جهانی	درون‌زایی و کارآمدی	کاهش هزینه‌های مبادله	نرخ یکپارچگی بالا

۶. صحت‌سنجی و روایی‌سازی نگاشت نهادی

جهت اطمینان از اعتبار علمی و پایایی روابط ترسیم‌شده، هر لایه از نگاشت نهادی بر اساس روش‌های تثلیث داده‌ها (Denzin, 1978) و انطباق الگو (Yin, 2018) مورد واکاوی قرار گرفت. این فرآیند به منظور روایی‌سازی سازوکارهای انتقال نهادی انجام شده است.

۶-۱. لایه اول: مقابله با ضربه‌پذیری (بند ۱۳)

این لایه بر پیوند میان ارتقای سطح فناوریانه و کاهش وابستگی استراتژیک تمرکز دارد. هدف این نگاشت تبیین این موضوع است که چگونه متغیرهای فنی می‌توانند به عنوان یک سپر دفاعی در برابر تکانه‌های خارجی عمل کنند (Keohane & Nye, 1977).

تثلیث داده‌ها: بر اساس رویکرد دنزین (Denzin, 1978)، صحت این لایه از طریق تطبیق با سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل (تثلیث اسنادی)، انطباق با گزارش‌های ۲۰۲۳ آژانس بین‌المللی انرژی (تثلیث گزارشی) و بررسی نتایج مطالعه تطبیقی ۹ کشور (تثلیث تجربی) واکاوی شد. این منابع همگی بر این نکته اشتراک نظر دارند که پیچیدگی فنی با ایجاد «وابستگی متقابل فنی»، تحریم‌ناپذیری درآمدی را تضمین می‌کند (خورشیدی اظهر و همکاران، ۱۴۰۴).

انطباق الگو: مطابق با روش یین (Yin, 2018)، الگوی پیش‌بینی‌شده (افزایش پیچیدگی = تحریم‌ناپذیری) با الگوی مشاهده‌شده در شرکت‌های پیشرو نظیر SK Innovation کره جنوبی و ریلاینس هند مطابقت کامل دارد. این واحدها به دلیل تولید محصولات انحصاری با ارزش افزوده بالا، کمترین آسیب را از فشارهای ژئوپلیتیک متحمل شده‌اند (Wade, 1990).

۶-۲. لایه دوم: تنوع‌بخشی به مشتریان (بند ۱۴)

در این لایه، سازوکار تغییر پارادایم از بازارهای بزرگ‌مقیاس دولتی به سمت بازارهای خرد منطقه‌ای مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این گذار نهادی با هدف کاهش نظارت‌پذیری و افزایش انعطاف‌پذیری صادراتی طراحی شده است (Williamson, 1981).

تثلیث داده‌ها: صحت این نگاشت با تطبیق مؤلفه‌های بازاریابی با بند ۱۴ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (اسنادی) و انطباق با مدل‌های بازاریابی در هند و سنگاپور (تجربی) واکاوی شد. همچنین گزارش‌های وود مکنزی (Wood Mackenzie, 2023) بر اهمیت بازارهای B2B

در دور زدن محدودیت‌های متمرکز بانکی تأکید دارند که صحت سازوکار «بازاریابی مویرگی» را تأیید می‌نماید (خورشیدی اطهر و همکاران، ۱۴۰۴).

انطباق الگو: الگوی پیش‌بینی‌شده (تنوع محصول = نظارت‌ناپذیری) با الگوی مشاهده‌شده در زون‌های پتروشیمی چین (مدل ژجیانگ) کاملاً منطبق است. در این مدل، توزیع محصولات در شبکه‌ای از هزاران SME، عملاً امکان اعمال تحریم‌های هدفمند را سلب کرده است (S&P Global, 2022).

۶-۳. لایه سوم: تکمیل زنجیره ارزش (بند ۱۵)

این لایه بر حل تعارض منافع میان بازیگران و حاکمیت از طریق ابزارهای انگیزشی مالی متمرکز دارد. هدف اصلی، هدایت نقدینگی از بخش‌های خام‌فروشی به سمت صنایع تکمیلی است (Alston, 1996).

تثلیث داده‌ها: صحت این لایه از طریق تطبیق با «قانون حمایت از صنایع پایین‌دستی» (اسنادی) و مطالعه مسیر مالی پروژه‌های ادغام‌شده در آرامکو-سابیک (تجربی) مورد تأیید قرار گرفت. این داده‌ها نشان می‌دهند که تنفس خوراک، پیش‌شرط لازم برای «بانکی شدن» پروژه‌های پایین‌دستی است (خورشیدی اطهر و همکاران، ۱۴۰۴).

انطباق الگو: پیش‌بینی مدل (تنفس خوراک = تکمیل زنجیره) با واقعیت‌های تجربی در پروژه‌هایی که از این مشوق بهره‌مند شده‌اند (مانند ریلاینس هند) انطباق دارد؛ جایی که نرخ بازگشت سرمایه در فازهای پایین‌دستی به سطح رقابتی رسیده و منجر به تولید محصولات نهایی پلیمری شده است (S&P Global, 2022).

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای راهبردی

پژوهش حاضر با هدف تبیین ضرورت و ارائه الگوی مطلوب هدایت سرمایه‌گذاری در صنعت پتروپالایش به‌عنوان پیشران اقتصاد مقاومتی انجام پذیرفت. نتایج حاصل از نگاشت نهادی و فرآیند صحت‌سنجی لایه‌به‌لایه، نشان داد که گذار از پارادایم «پالایش سنتی سوخت‌محور» به «پتروپالایش زنجیره‌محور»، نه تنها یک ضرورت اقتصادی برای افزایش حاشیه سود، بلکه یک الزام استراتژیک برای تقویت تاب‌آوری ملی در برابر شوک‌های بیرونی و تحریم‌های بین‌المللی است. در ادامه، جمع‌بندی نهایی پژوهش در چهار محور اصلی ارائه می‌گردد:

۷-۱. سنتز یافته‌ها و روایی الگو

فرآیند اعتباربخشی پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های فنی و اقتصادی پتروپالایشگاه‌ها، پیوندی ناگسستنی با بندهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دارند. تثلیث داده‌ها ثابت کرد که متغیرهای «ضریب پیچیدگی نلسون» و «نرخ یکپارچگی» صرفاً اعدادی فنی نیستند، بلکه شاخص‌هایی نهادی برای سنجش «تحریم‌ناپذیری» و «پایداری درآمدی» کشور محسوب می‌شوند. انطباق الگوی انجام‌شده با تجربیات غول‌های انرژی جهان نظیر آرامکو و ریلینس، گویای این واقعیت است که موفقیت در هدایت سرمایه، نه از طریق دستورالعمل‌های دولتی صرف، بلکه از طریق بازطراحی «ساختار انگیزشی» و کاهش هزینه‌های مبادله محقق می‌گردد. این پژوهش با اثبات صحت سازوکار «بازاریابی مویرگی»، نشان داد که تنوع‌بخشی به محصولات پتروپالایشگاهی می‌تواند لایه حفاظتی جدیدی برای صادرات انرژی ایران ایجاد کند که ره‌گیری آن برای نظام سلطه عملاً غیرممکن خواهد بود.

۷-۲. دستاوردهای تئوریک و مفهومی

از منظر نظری، این مطالعه با کاربرست رویکرد «نهادگرایی نوین»، مفهوم «هدایت سرمایه» را از سطح جذب فیزیکی منابع به سطح «حکمرانی هوشمند جریان‌ات نقدی» ارتقا داد. نوآوری در ارائه ماتریس نگاشت نهادی، چارچوبی را فراهم آورد که در آن اهداف انتزاعی سیاست‌های بالادستی به سنجه‌های عملیاتی پتروپالایشگاهی تبدیل شده‌اند. این نگاشت نشان داد که مفهوم «درون‌زایی» در اقتصاد مقاومتی، در گروی پیوند عمیق میان فناوری‌های پیچیده (ضریب پیچیدگی بالا) و ابزارهای مالی انگیزشی (تنفس خوراک) است. درواقع، این پژوهش ثابت کرد که پتروپالایشگاه مطلوب در ایران، باید به‌عنوان یک «نهاد دفاعی-اقتصادی» بازتعریف شود که وظیفه اصلی آن، تبدیل دارایی‌های زیرزمینی (نفت خام) به قدرت ژئوپلیتیکی روی زمین (محصولات پیچیده جایگزین‌ناپذیر) است.

۷-۳. پیشنهاد‌های سیاستی و اجرایی (نقشه راه)

بر اساس نتایج حاصل از لایه‌های سه‌گانه صحت‌سنجی، پیشنهاد‌های زیر جهت اصلاح نظام هدایت سرمایه‌گذاری ارائه می‌گردد:

اصلاح رگولاتوری قیمت‌گذاری: وزارت نفت موظف گردد فرمول قیمت‌گذاری خوراک و تنفس خوراک را مستقیماً به «شاخص پیچیدگی نلسون» و «میزان تولید محصولات پایین‌دستی غیرسوختی» گره بزند. هرچه واحد پتروپالایشگاهی محصولات نهایی‌تری تولید کند، باید از مزیت قیمتی و دوره تنفس طولانی‌تری برخوردار گردد (تحقق بند ۱۵).

توسعه بازارهای منطقه‌ای B2B: دولت باید از نقش «تنها صادرکننده» خارج شده و با ایجاد تسهیلات صادراتی برای بخش خصوصی، شبکه «بازاریابی مویرگی» محصولات پتروپالایشگاهی را در کشورهای همسایه (نظیر عراق، افغانستان و کشورهای آسیای میانه) تقویت نماید تا تحریم‌پذیری جریانات ارزی به حداقل برسد (تحقق بند ۱۴).

تأسیس صندوق‌های پروژه و نوسازی ابزارهای مالی: به‌جای تکیه بر تسهیلات بانکی تورم‌زا، باید از ظرفیت‌های بورس انرژی و صندوق‌های پروژه برای جذب نقدینگی سرگردان جامعه به سمت احداث پتروپالایشگاه‌ها استفاده شود. این امر علاوه بر تأمین مالی، منجر به «مردمی‌سازی اقتصاد» و توزیع عادلانه ثروت ناشی از زنجیره ارزش نفت می‌گردد.

تضمین ثبات قوانین رگولاتوری: حاکمیت باید امنیت سرمایه‌گذاری را از طریق تضمین ۲۰ ساله تأمین خوراک و ثبات نرخ‌های مالیاتی فراهم آورد تا ریسک بازگشت سرمایه در پروژه‌های عظیم پتروپالایشگاهی که دوره ساخت طولانی دارند، برای بخش خصوصی قابل مدیریت باشد.

درنهایت، پتروپالایشگاه‌ها نه تنها یک انتخاب صنعتی برای تکمیل زنجیره ارزش، بلکه تنها مسیر گریز از «تله خام‌فروشی» و رسیدن به اقتدار اقتصادی در سده جدید هستند. الگوی پیشنهادی، در صورت عملیاتی شدن، می‌تواند صنعت نفت ایران را از یک منبع تأمین بودجه لرزان، به سنگر مستحکم تولید ثبات و تاب‌آوری ملی مبدل سازد.

کتابنامه

تقوی، مهدی و محمدی، حسین (۱۳۸۸). تأثیر زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۹(۳۲)، ۴۲-۱۵.

جهانگرد، اسفندیار؛ دانشمند، آرین و پناهی، سامان و نیک‌بین، بهنام (۱۳۹۶). اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی ایران بسط مدل پاجولا. <https://civilica.com/doc/1570239>

حمید، کامل (۱۳۹۸). موانع حقوقی جذب و پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران. *قانون‌یار*، ۳(۱۲)، ۳۱۷-۳۵۴؛ <https://sid.ir/paper/fa524149SID>

خورشیدی اطهر، ا؛ صادقی شاهدانی، م؛ منظور، د، و زاهدی وفا، م (۱۴۰۴). هدایت سرمایه‌گذاری در صنایع پتروپالایشگاهی ایران: طراحی یک الگوی مطلوب با رویکرد مطالعه تطبیقی با کاربست نظری پتروپالایشگاه شهید سلیمانی. *اقتصاد و سیاست‌گذاری مالی*، ۲ (۳)، ۷۲-۵۳.

- Alston, L. J. (1996). *Empirical Studies in Institutional Change*. Cambridge University Press.
- Baker, S. R., Bloom, N., & Davis, S. J. (2016). "Measuring economic policy uncertainty". *The Quarterly Journal of Economics*, 131(4), 1593-1636.
- Banz, R. W. (1981). "The relationship between return and market value of common stocks". *Journal of Financial Economics*, 9(1), 3-18.
- Barber, B. M., Morse, A., & Yasuda, A. (2021). "Impact investing". *Journal of Financial Economics*, 139(1), 162-185.
- Berger, A., & Sauvart, K. P. (2021). *Investment Facilitation for Sustainable Development*. Routledge.
- Bernanke, B. S. (1983). "Nonmonetary effects of the financial crisis in the propagation of the Great Depression". *American Economic Review*, 73(3), 257-276.
- Blau, B. M., Brough, T. J., & Thomas, D. W. (2013). "Corporate lobbying, political connections, and the bailout of the U.S. financial sector". *Journal of Banking & Finance*, 37(8), 3007-3017.
- Block, J. H., et al. (2021). "Investment criteria in impact investing". *Journal of Business Venturing*, 36(6), 106152.
- Brest, P., & Born, K. (2013). "Unpacking the impact in impact investing". *Stanford Social Innovation Review*.
- Chen, S., Sun, Z., Tang, S., & Wu, D. (2011). "Government intervention and investment efficiency". *Journal of Corporate Finance*, 17(3), 433-451.

- Denzin, N. K. (1978). *The Research Act: A Theoretical Introduction to Sociological Methods*. McGraw-Hill.
- Faccio, M. (2010). "Differences between politically connected and non-connected firms". *Journal of Financial Economics*, 95(1), 124-139.
- Faccio, M., Masulis, R. W., & McConnell, J. J. (2006). "Political connections and corporate bailouts". *Journal of Finance*, 61(6), 2597-2635.
- Fama, E. F., & French, K. R. (1992). "The cross-section of expected stock returns". *Journal of Finance*, 47(2), 427-465.
- Geczy, C. C., et al. (2019). "Institutional investing when externalities are present". *Journal of Financial Economics*, 133(2), 460-483.
- Höchstädter, A. K., & Scheck, B. (2015). "What's in a name: An analysis of impact investing definitions". *Journal of Business Ethics*, 132(2), 449-475.
- IEA. (2023). *Refining and Petrochemical Integration: Global Trends and Outlook*.
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1977). *Power and Interdependence*. Little, Brown.
- Khawaja, A. I., & Mian, A. (2005). "Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market". *The Quarterly Journal of Economics*, 120(4), 1371-1411.
- Li, H., Meng, L., Wang, Q., & Zhou, L. A. (2008). "Political connections, financing and firm performance". *Journal of Development Economics*, 87(2), 277-286.
- Lin, J. Y. (2021). *New Structural Economics: A Framework for Rethinking Development*. World Bank Publications.
- McClean, R. D., Zhang, T., & Zhao, M. (2012). "Why does the law matter? Investor protection and its effects on investment, finance, and growth". *Journal of Finance*, 67(1), 313-350.
- North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge University Press.
- OPEC. (2024). *World Oil Outlook 2045*.
- Porter, M. E. (1990). *The Competitive Advantage of Nations*. Free Press.
- Rodrik, D. (2008). *One Economics, Many Recipes: Institutional Reform and Economic Theory*. Princeton University Press.
- S&P Global. (2022). "SOEs In Focus Zhejiang Province", China.

- Sharpe, W. F. (1964). Capital Asset Prices: A Theory of Market Equilibrium Under Conditions of Risk. *The Journal of Finance*, 19(3), 425-442.
- S&P Global (2022). *SOEs In Focus Zhejiang Province, China*.
- Stein, J. C. (2003). "Agency, information and corporate investment". *Handbook of the Economics of Finance*, 1, 111-165.
- Szewczuk, S., & Więcek-Janka, E. (2024). Exploring Sustainable Investment: In-Depth Analysis of ESG Strategies. *Annales Universitatis Mariae Curie-Skłodowska*.
- U.S. Energy Information Administration (EIA). (2022). *Petroleum and Other Liquids: Monthly Energy Review*.
- Wade, R. (1990). *Governing the Market: Economic Theory and the Role of Government in East Asian Industrialization*. Princeton University Press.
- Wang, Y., et al. (2017). "Government intervention and firm investment efficiency: Evidence from China". *Pacific-Basin Finance Journal*, 41, 1-17.
- Williamson, O. E. (1981). The Economics of Organization: The Transaction Cost Approach. *American Journal of Sociology*.
- Wood Mackenzie (2023). *Global Petrochemical Market Report*.
- World Economic Forum (WEF). (2022). *The Global Risks Report 2022*.
- Yin, R. K. (2018). *Case Study Research and Applications: Design and Methods*. SAGE Publications.